

آیت الله خمینی، سبیل جهل و جنایت!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

در سالگرد درگذشت آیت الله خمینی، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، در وصف او و سیاست‌های ارتجاعیش سخن‌رانی می‌کنند و می‌نویسند.

بی‌شک خمینی، یک شیعه واقعی و به راستی ادامه دهنده راه محمد و علی و نماینده قدر قدرت و بی‌رحم خدا در ایران و در ردیف جنایت‌کاران تاریخی چون هیتلر، موسولینی و پل‌پت قرار می‌گیرد. هیچ نوشته و نقدی گویاتر از اظهارات و نوشته‌های خود خمینی، او را افشا نمی‌کند. توضیح‌المسائل و سخن‌رانی‌های او، خشونت‌آمیز و به ویژه ضدزن و ضدکودک است. خمینی، برای این که سیاست‌های خود را به کرسی بنشانند به واقعیت‌های حکومت اسلامی ۱۴۰۰ سال پیش، یعنی دوران بربریت بشر و عملکردهای محمد و علی اتکا می‌کند تا سیاست‌های خود را با اصول و موازین حکومت اسلامی محمد و برنامه این حکومت، یعنی قرآن هماهنگ سازد.

آیت الله خمینی، در بهمن ۱۳۴۸ در نجف، مجموعه سخن‌رانی‌هایی به نام «مجموعه درس‌های شیعیان جهان، تحت عنوان ولایت فقیه» ایراد کرده است. این سخن‌رانی‌ها که الگویی از حکومت اسلامی محمد و علی است، در کتابی به نام «حکومت اسلامی» چاپ شده است، می‌گوید:

رسول اکرم(ص) در راس تشکیلات اجرائی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت. علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر و احکام و نظامات اسلام همت گماشته بود تا دولت اسلام را به وجود آورد. در آن زمان مثلاً به بیان قانون جزا اکتفا نمی‌کرد بلکه در ضمن به اجرای آن می‌پرداخت، دست می‌برید، حد می‌زد، و رجم می‌کرد... (ص ۲۶ و ۲۷)

بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم(ص) را لازم آورده منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم(ص) نیز ادامه دارد. طبق آیه شریفه، احکام اسلام محدود به زمان و مکانی نیست، و تا ابد باقی و لازم‌الاجرا است. تنها برای زمان رسول اکرم(ص) نیامده تا پس از آن متروک شود و دیگر حدود و قصاص یعنی جزای اسلام اجرا نشود یا انواع مالیات‌ها مقرر گرفته نشود یا

دفاع از سرزمین و امت اسلام تعطیل گردد. این حرف که قوانین اسلام تعطیل ناپذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکانی است بر خلاف ضروریات اعتقادی اسلام است. بنابراین، چون اجرای احکام پس از رسول اکرم(ص) و تا ابد ضرورت دارد تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت می‌یابد... (ص ۲۹)

اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم(ص) در امر اداره جامعه داشت دارا می‌باشد، و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. (ص ۶۲)

حاکم عادل، رسول اکرم(ص) است. او اگر فرمان داد که فلان محل را بگیرید، فلان خانه را آتش بزنید، فلان طایفه را که مضر به اسلام و مسلمین و ملت هستند از بین ببرید حکم به عدل فرموده است. اگر در چنین مواردی فرمان ندهد خلاف عدالت می‌باشد زیرا ملاحظه حال اسلام و مسلمین و جامعه بشری را نکرده است. اگر در چنین مواردی فرمان ندهد خلاف عدالت می‌باشد زیرا ملاحظه حال اسلام و مسلمین و جامعه بشری را نکرده است... حضرت رسول(ص) یهود «بنی قریظه» را چون جماعت ناراحتی بودند و در جامعه اسلامی مفسده ایجاد کرده و به اسلام و حکومت اسلامی ضرر می‌رساندند از میان برداشت... (ص ۱۱۰ و ۱۱۱)

برای این که ماهیت ضدانسانی خمینی، بهتر شناخته شود بی‌مناسبت نخواهد بود که مروری به بعضی از احکام اسلامی، که روح‌الله خمینی، در توضیح‌المسائل خود صادر کرده است، بیندازیم. احکامی که از هر سطر به سطر آن بوی تعفن و جنایت به مشام می‌رسد.

مسألة ۲۳۹۲: انسان نمی‌تواند بدون اجازه زن خود با خواهر زاده و برادر زاده او ازدواج کند. ولی اگر بدون اجازه زنش آنان را عقد نماید و بعدا زن بگوید به آن عقد راضی هستم اشکالی ندارد.

مسألة ۲۳۹۴: اگر انسان پیش از آن که دختر عمه یا دختر خاله خود را بگیرد با مادر آنان زنا کند دیگر نمی‌تواند با آنان ازدواج نماید.

مسألة ۲۳۹۵: اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند با مادرشان زنا نماید عقد آنان اشکال ندارد.

مسألة ۲۴۱۰: اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند و پیش از آن که نه سال دختر تمام شود با او نزدیکی و دخول کند، چنانچه او را افضا نماید، هیچ‌وقت نباید با او نزدیکی کند.

مسأله ۲۴۱۲: زنی که عقد دائمی شده باشد نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، و باید خود را بر هر لذتی که او می‌خواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. و اگر در این‌ها از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر، واجب است و اگر تهیه نکند چه توانائی داشته باشد، یا نداشته باشد، مدیون زن است.

مسأله ۲۴۲۱: صیغه کردن زن اگر چه برای لذت بردن هم نباشد صحیح است.

مسأله ۲۴۲۳: زنی که صیغه می‌شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می‌تواند لذت‌های دیگر از او ببرد. ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می‌تواند با او نزدیکی نماید.

مسأله ۲۴۳۴: اگر انسان بدون قصد لذت به آن قسمت از بدن زن‌های کافر که معمولاً نمی‌پوشانند، نگاه کند در صورتی که تترسد به حرام بیفتد اشکال ندارد.

مسأله ۲۴۴۴: اگر شوهر در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد معلوم شود که باکره نبوده می‌تواند عقد را به هم بزند.

مسأله ۲۴۵۶: اگر زن بگوید یائسه‌ام نباید حرف او را قبول کرد ولی اگر بگوید شوهر ندارم حرف او قبول می‌شود.

مسأله ۲۴۵۹: مستحق است در شوهر دادن دختری که بالغه است یعنی مکلف شده عجله کنند، حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: یکی از سعادت‌های مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نبیند.

مسأله ۲۴۹۲: اگر بواسطه شیر دادن، حق شوهر از بین نرود، زن می‌تواند بدون اجازه شوهر بچه کس دیگر را شیر بدهد، ولی جایز نیست بچه‌ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن به آن بچه، به شوهر خود حرام شود. مثلاً اگر شوهر او دختر شیرخواری را برای خود عقد کرده باشد زن نباید آن دختر را شیر دهد، چون اگر آن دختر را شیر دهد خودش مادر زن شوهر می‌شود و بر او حرام می‌گردد.

مسأله ۲۵۱۰: زنی که نه سالش تمام نشده و زن یائسه، عده ندارد، یعنی اگر چه شوهر با او نزدیکی کرده باشد بعد از طلاق می‌تواند فوراً شوهر کند.

محمد خاتمی، رئیس جمهور رژیم جمهوری اسلامی، که خود را ادامه دهنده راه خمینی می‌داند و در این مورد نیز کتابی را به نام «بیم موج» در سال ۱۳۷۳ تألیف کرده است، در تمجید و توصیف خمینی، چنین می‌نویسد:

«در عصر حاضر نیز در آفاق اسلامی مصلحان و احیاگران بزرگی ظهور کرده‌اند که جایگاه امام خمینی (قده) در این میان از رفعت خاصی برخوردار است و گزافه نیست اگر امام فقیه امت را بزرگ‌ترین احیاگر دین به هر دو معنی در زمان غیبت معصوم بدانیم. امام خمینی در زمانی دین را به عنوان عامل بزرگ نجات جامعه اسلامی از جنایت‌های

مستکبران و منشا حرکت در مسیر استقلال و سربلندی به صحنه آورد که طی بیش از یک صد سال گذشته، هم به لحاظ گستردگی و عمق دشمنی سنجیده استعمارگران و در اثر ناتوانی بخش قابل توجهی از اندیشه رایج دینی در درک واقعیات و شناخت راه مبارزه درست با دشمنان، دین سنگر به سنگر در برابر یورش فکری و سیاسی دشمن جهانی عقب نشینی کرده بود.

... انقلاب اسلامی مهم‌ترین حرکت احیای دین در این روزگار بود و در هر سه جبهه به مبارزه پرداخت و بعد از پیروزی در مرحله اول و سرنگونی رژیم فاسد و مغرور استبدادی، جبهه مقابله با استبداد به میدان مبارزه بی‌امان و مستقیم با کلیت استکبار جهانی و در راس آن آمریکا که بزرگ‌ترین پشتیبان رژیم وابسته سابق بود مبدل شد. مسلم است که خمینی، خامنه‌ای، رفسنجانی، یزدی، خاتمی و دیگر سردمداران رژیم اسلامی، قوانین اسلامی را از مغز خود به بیرون تراوش نداده‌اند. بلکه همگی آنان با اتکا به قوانین الهی و ائمه و پیامبران و امامان و قرآن و نهج البلاغه، توضیح المسائل خود و قوانین اسلامی را تنظیم می‌نمایند. به ویژه که قرآن که بخش اعظم آن به مهار کردن زنان توسط مردان مسلمان تاکید می‌کند. بخش دیگر بر اطاعت بدون چون و چرا از حاکمان، یعنی پیغمبران و امامان است و نهایت اطاعت از اوامر خدا و ترساندن از عقوبت الهی و جهنم، بخش‌های دیگر آن می‌باشد. در این کتاب به ویژه توهین و بی‌حرمتی که به زنان می‌شود بی‌نهایت چندش‌آور است. این کتاب‌ها غیر از سند اسارت و بندگی و بردگی و خرافات هیچ ارزش دیگری ندارند.

تعالیم قرآن و پیغمبران و امامان و مجتهدین اسلامی، همگی دشمنی و خصومت بین انسان‌ها را دامن می‌زنند. تخم تبعیض می‌افشانند. بشر را از روی آوردن به برابری و آزادی و عشق بر حذر می‌دارند تا منافع اقتصادی و سیاسی خود را حفظ نمایند.

در قرآن، سوره یوسف، آیه ۲۸ آمده است:

... و زنانی که از مخالفت آنان بیمناکید، باید نخست آنان را موعظه کنید، اگر مطیع نشدند، از خوابگاه آنان دوری گزینید، باز اگر مطیع نشدند، آن‌ها را کتک بزنید...

قرآن، سوره الاحزاب، آیه ۵۹:

ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند که این کار برای این‌که به عفت و حریت شناخته شوند و از تعرض و جسارت آزار نبینند، بسیار بهتر است.

قرآن، سوره بقره، آیه ۲۲۸:

از زنان هر چه خوش دارید، دو دو، سه سه، و چهار چهار بگیرید.

قرآن سوره الاحزاب، آیه ۵۹:

در اسلام، زن شیطانی است که می‌تواند مردان و جامعه را منقلب کند. به دلیل اغواگری و وسوسه زنان، باید همیشه بین زن و مرد فضا و فاصله‌ای موجود باشد. حجاب و پوشاندن زنان در اسلام، برای کنترل زنان و جلوگیری از نقش مخرب آنان در جامعه است.

هر گاه مشرکان را یافتید به قتل برسانید و از شهرهایشان برانید... اگر دست از شرک و ستم بردارند از آنها در گذرید... و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین بر طرف شود و همه را آئین دین خدا باشد.

سوره التوبه آیه ۲۹:

با هر که از اهل کتاب (یهود و نصاری) که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده نمی‌دانند و به دین حق (اسلام) نمی‌گروند قتال و کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند.

سوره البقره، آیه ۲۲۴:

زنان شما کشتزار شمایند، برای کشت به آنها نزدیک شوید، هرگاه معاشرت آنها خواهید.

سوره الاحزاب، آیه ۵۰:

ای پیغمبر ما، زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که به غنیمت خدا تو را نصیب کرده و ملک تو شدند و نیز دختران عمو و دختران عمه و دختران خاله، آنها که با تو از وطن هجرت کردند و نیز زن مؤمنه‌ای که خود را بی‌قید و شرط و مهر به رسول ببخشد و رسول به نکاحش مایل باشد که این حکم مخصوص تو است... این زنان که همه را بر تو حلال کردیم بدین سبب بود که بر وجودت در امر نکاح هیچ خرج و زحمتی نباشد...

قرآن، آیه ۲۸ از سوره "المائده" (۵):

جز این نیست کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش به جنگ می‌پردازند و از راه فساد در زمین می‌کوشند، کشتن و به دار آویختن آنها و بریدن دست‌ها و پاهایشان، که خلاف یکدیگر این عمل انجام شود.

قرآن، آیات "الرحمن" (۵۵):

بهشتی که در آن دو چشمه آب زلال با فوران جریان دارد و از هر میوه دو نوع موجود است مانند خرما و انار و در آن بهشت به فرشته‌هایی تکیه می‌کنید که از ابریشم ضخیم (دیبای کلفت) است و در آنجا فرشتگان زیباروی و زنانی نیکوسرشت وجود دارند که در انتظار نشسته‌اند. فرشتگانی که پیش از شما هیچ‌کس (اعم از آدم‌ها و جن‌ها) آنان را لمس نکرده‌اند.

بقره، آیه ۱۷۸ و ۱۷۹:

در همین آیه‌ها تصریح که در برابر قتل يك نفس فقط يك نفس را می‌توان قصاص کرد و در برابر يك چشم، يك چشم و... هر کس از این تحدیدهای الهی تجاوز کند، ستم پیشه خواهد شد. (حجت‌السلام محمد شبستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ص ۱۷۲)

خمینی، در سرکوب و کشتار مخالفان و جنگ و خونریزی و سانسور و اختناق و صدور فتوای تروریستی، کوچک‌ترین تردیدی به خود راه نمی‌داد؛ از جمله فتوای قتل عام زندانیان سیاسی و کشتن سلمان رشدی را صادر کرد. در ادامه جنگ ۸ ساله ایران و

عراق پافشاری کرد؛ سرانجام مجبور به سر کشیدن جام زهر شد و آتش بس را پذیرفت. در این جنگ صدها هزار انسان جان خود را از دست دادند و میلیون ها نفر دیگر نیز معلول و بی خانمان شدند.

او، همواره آخوندهایی را که در پیشبرد سیاست ها و مصالح اسلام قاطع نبودند مورد انتقاد شدید قرار می داد و از آن ها می خواست که مانند محمد و علی همیشه شمشیر برنده داشته باشند تا هر جا مخالفی را یافتند بی درنگ گردنش را بزنند.

خمینی، در همه سخنرانی هایش به مسئولین و قداره بندان رژیم خود، هشدار می داد که اگر می خواهند حکومت اسلامی پا بر جا بماند نباید انعطاف پذیر باشند. آنان باید هر گونه صدای معترض و مخالف را بی درنگ در نطفه خفه کنند. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، این هشدار خمینی را آویزه گوش شان قرار داده اند و تحمل کمترین اعتراض و انتقاد حتا از «خودی» ها را نیز ندارند. آنان با آدم کشی و سرکوب و سانسور حکومت می کنند و کمترین توجهی به زیست و زندگی مردم ندارند. خمینی، تاکید می کرد:

اما اشتباهی که ما کردیم، این بود که به طور انقلابی عمل نکردیم و مهلت دادیم و مهلت دادیم به این قشرهای فاسد... اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی عمل کرده بودیم و قلم تمام مطبوعات مزدور را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و روسای آن ها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم و روسای آن ها را به جزای خودشان رسانده بودیم و چوب های دار را در میدان های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمت ها پیش نمی آمد... (سخنرانی خمینی، روز جمعه ۲۶ مرداد ۱۳۵۸، روزنامه اطلاعات ۲۷ مرداد ۱۳۵۸)

در این چند ماه تقریباً حدود دویست گروه مختلف اظهار وجود کردند، حتا کمونیست هایی که فاسد و مفسدند، اظهار وجود کردند. لکن بعد از آن که ما احساس بکنیم که این ها اظهار وجودشان فقط برای تبلیغ نیست... دیگر نمی توانیم تا آخر تحمل کنیم و توطئه را بپذیریم... ما تمام زن و مرد ایران را بسیج می کنیم و ریشه آن ها را در می آوریم. (سخنرانی خمینی، روز ۲۸ مرداد، روزنامه اطلاعات ۲۹ مرداد ۱۳۵۸)

در چنین شرایطی وظیفه هر انسان آگاه و روشنگر مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی،

این است که مذهب را به دلیل این که رسماً از طرفدارانش می‌خواهد به جنگ، ترور، شکنجه، خونریزی، قصاص، سنگسار، کشتار، خشونت و بربریت روی آورند و انسان‌ها را در بردگی و اشتمار نگاه می‌دارد، عمیقاً و بی‌محابا به نقد بکشد. اساساً مذهب، انسان را از مبارزه برای دستیابی به زندگی بهتر، انسانی، عادلانه و رفاه اجتماعی و همگانی باز می‌دارد، خفت و خواری را رواج می‌دهد. مذهب، انسان را به امید رفتن به بهشت، از رشد و پیشرفت باز می‌دارد. در حالی که دست‌اندرکاران دم و دستگاه مذهبی، نمایندگان درنده و حریص خدا در روی زمین، تمام هم و غم‌شان این است که برای خودشان بهشتی بر روی زمین بسازند و جهنمی برای مزدبگیران. بنابراین منافع گرایش مذهبی، هیچ منافاتی با ایدئولوژی بورژوازی ندارد. در واقع ایدئولوژی مذهبی، یکی از گرایشات عقب مانده و ارتجاعی نظام سرمایه‌داری است.

قدر مسلم این است که نه خدایی وجود دارد و نه بهشت و جهنمی. آنچه که هست همین کره خاکی و طبیعت پیرامونی ما انسان‌هاست. هیچ قدرتی خارج از قدرت و اتحاد طبقاتی، برای ساختن جامعه انسانی آزاد و برابر وجود ندارد. نه توکل به خدا، بلکه باید توکل به قدرت طبقاتی‌مان داشته باشیم. مسلماً در شرایط کنونی ایران، اتکا به علم و دستاوردهای بشری، گامی نخست برای رهایی محسوب می‌شود. شرایط جامعه ایران، ایجاب می‌کند که کارگران پیشرو، مردم تحت ستم و آزادی‌خواه، روشنفکران سکولار، آتئیست‌ها و سوسیالیست‌ها توجه جامعه را از اعتقاد به زندگی اخروی، به زندگی دنیوی جلب کنند.

امروز نمونه برجسته و آشکار ارمغان اسلامی برای بشریت، جز جهل و جهالت و کشتار و خونریزی و فقر و فلاکت چیز دیگری نبوده است. نمایندگان خدا و ادامه دهندگان راه علی و محمد در ایران، هشتاد درصد مردم این کشور را برای تامین حداقل زندگی‌شان درمانده و نگران ساخته‌اند؛ شاغل شدن جوانان و استقلال زندگی آنان به یک آرزوی دست نیافتنی تبدیل شده است؛ در حالی که آخوندها و نزدیکانشان نه تنها در داخل ایران، ثروت‌های کلانی به جیب زده‌اند بلکه در سطح جهان نیز، انواع و اقسام سرمایه‌گذاری‌ها کرده‌اند. بنابراین طبیعی است که کارد به دستان این رژیم، برای حفظ موقعیت اقتصادی و سیاسی‌شان از هر گونه وحشی‌گری در جهت سرکوب کارگران، زنان، جوانان، معلمان، پرستاران، دانشجویان و بازنشستگان فروگذار نباشند. ایران امروز، جهنم

و اسارت‌گاه بزرگی برای اکثریت مردم و بهشت موعود برای حاکمان این کشور است. جماعت مفت‌خور و مرتجع و کودنی که حتا يك روز هم با دسترنج خود زندگی نکرده‌اند و با مکر و حيله و تزوير و يا زور و خشونت و کشتار وجود انگل‌وار خود را بر جامعه تحمیل می‌کنند.

آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر رژیم جمهوری اسلامی، که در صدور فتوای ترور و کشتار و بگیر و به بند و سانسور و اختناق دست کمی از خمینی ندارد، در سالگرد مرگ خمینی می‌گوید: آزادی مورد نظر نظام اسلامی، آزادی اسلامی است که از يك طرف با آزادی و لجام گسیختگی غربی و از طرف دیگر با دینداری بی‌منطق، متحجرانه و ایستا مخالف است... در مردم سالاری دینی بر خلاف دموکراسی غربی، رای مردم يك قرارداد عرفی نیست، بلکه يك تعهد دینی است...

رژیم برای این‌که مردم ناآگاه و متوهم را برای نمایش قدرت و سیاهی لشکر به سر قبر خمینی بکشاند به هر شیوه‌ای متوسل می‌شود. برای مثال بیمه ایران اعلام کرده است: کلیه زائرینی که توسط هر يك از ارگان‌ها و نهادهای رسمی به صورت کاروان برای زیارت حرم مطهر حضرت امام خمینی (ره) به تهران می‌آیند از ساعت صفر بامداد ۸۱/۲/۱۲ لغایت ساعت ۲۴ روز ۸۱/۲/۱۶ در مقابل خطرات فوق، نقص عضو، از کار افتادگی و هزینه‌های پزشکی ناشی از حوادث به طور رایگان تحت پوشش بیمه ایران خواهند بود... بنا به گزارش روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اسکان و پذیرایی بیش از ۸۰۰ هزار نفر از زائران حرم مطهر حضرت امام (ره) برگزاری همایش ۱۴۰۰ نفر از نخبگان بسیج در زمینه‌های علمی-فرهنگی، راهپیمایی بزرگ عاشقان ولایت با حضور خانواده پاسداران و بسیجیان تهران و برگزاری زیارت بر فیض عاشورا در سیزدهم خرداد در محل پیل شهید صنیع‌خانی از برنامه‌های اداره فرهنگی ستاد مشترك سپاه در سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) است. (روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۸۱)

این ترفندهای رژیم، نشان می‌دهد که مردم به فراخوان‌هایشان جواب نمی‌دهند. ارگان‌های رژیم تلاش می‌کنند فقط با رشوه دادن و جمع کردن مردم از روستاها و نیروهای انتظامی و بسیج و سپاه، صورت خود را با سیلی سرخ نگاه دارند تا بلکه در مقابل رسانه‌های دسته‌جمعی بر سر قبر خمینی سیاهی لشکر جمع کنند و سیرک راه بیندازند. رژیمی که حقوق کارگران را پرداخت نمی‌کند اما برای کشیدن مردم به سر قبر خمینی بیمه و

خدمات و امکانات مجانی و پول‌های کلانی اختصاص می‌دهد، بیش از هر چیز درماندگی و ورشکستگی این رژیم را نشان می‌دهد. اما خوشبختانه هر روز که می‌گذرد تعداد بیش‌تری از مردم آگاه‌تر می‌گردند و از خرافات و یاوه‌گویی‌های مذهبی دور می‌شوند. در نتیجه رژیم جمهوری اسلامی، به راحتی نمی‌تواند نیرو بسیج کند و به سر مقبره خمینی برود. چرا که مردم در طول ۲۴ سال حاکمیت رژیم جمهوری، با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند که خدا و قرآن و بهشت و جهنم حقیقت ندارد و مقبره رضا، حسین، کعبه و قبر خمینی، از يك سو دکان‌هایی برای پر کردن جیب گشاد آخوندها است و از سوی دیگر به بازتولید خرافات مذهبی یاری می‌رساند.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، از خاتمی گرفته تا دیگر همکاران جانی ریز و درشت او، در سخن‌رانی‌هایی که به مناسبت سالگرد خمینی داشتند به بحران و در خطر بودن نظام اسلامی‌شان اقرار می‌کردند. بنابراین واضح است که تاریخ مصرف رژیم جمهوری اسلامی به پایان رسیده است و پروژه دوم خرداد نیز شکست خورده است. در چنین شرایطی عوامل رژیم در داخل و خارج از ایران، به تکاپو افتاده‌اند تا پروژه دیگری برای نجات رژیم پیدا کنند. پروژه‌هایی از قبیل «وفاق ملی» و «نیروی سوم» قرار است جایگزین دوم خرداد شود و احتمالاً کمی عمر جمهوری اسلامی را طولانی سازد. اما اکثریت مردم ایران، آگاه‌تر از این شده‌اند که بتوان به راحتی خاک در چشمان آنان پاشید و مسیر مبارزه آنان را از مسیر سرنگونی آن، به مسیر بقای عمر رژیم رهنمون ساخت. جمهوری اسلامی رفتنی است این را نه فقط مخالفین، بلکه آیت‌الله امینی، سیدمحمد خاتمی، بهزاد نبوی، حجاریان و غیره نیز می‌گویند.

شکی نیست که سرانجام جنبش طبقاتی کارگران، زنان، جوانان، روشنفکران و دانشجویان آگاه موفق به این کار خواهند شد که مذهب را واقعا به جایگاه «يك امر خصوصی» برانند، با مبارزه آگاهانه و متحدانه رژیم متعفن جمهوری اسلامی را به زیاله‌دان تاریخ بیندازند و به بردگی اقتصادی و اختناق و سرکوب‌های سیاسی و اجتماعی خاتمه دهند و جامعه انسانی و آزاد و برابر خود را بسازند.